

سوگیری طبقاتی تحریم‌های

اقتصادی در ایران

جایگاه بازار کار و رفاه خانوار



معاونت بررسی‌های اقتصادی



مترجم:

حسین اشرفی

معاونت بررسی های اقتصادی
اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

شهریور ۱۴۰۳

منبع گزارش:

**Zep Kalb (2024). The Class Biases of Economic Sanctions in Iran
Labour Market Position and Household Welfare. Bourse & Bazaar Foundation**

از طریق پست الکترونیکی زیر می توانید پیشنهادات و نظرات اصلاحی خود را به واحد مربوطه منعکس کنید:

Economic_research@tccim.ir

مواضع این گزارش، الزاماً مواضع اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران نیست.

استفاده از مطالب این گزارش با ذکر منبع بلامانع است.



فهرست مطالب

.....	خلاصه مدیریتی	۴
.....	مقدمه	۵
.....	روش شناسی	۷
.....	تحریمها بودجه خانوار را شدیداً کاهش داده اند	۱۲
.....	طبقات کشاورزی و بخش عمومی، قربانیان اصلی تحریمها بودند	۱۴
.....	سیاست گذاران با وجود تحریمها پوشش بیمه اجتماعی را گسترش دادند	۲۰
.....	نتیجه گیری	۲۴



خلاصه مدیریتی

این گزارش به بررسی تأثیر تحریم های اقتصادی بر رفاه خانوارهای ایرانی در بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ می پردازد، با استفاده از داده های پیمایش هزینه و درآمد خانوار که توسط مرکز آمار ایران منتشر شده است. در این مطالعه، از رویکرد طبقه شغلی بهره گرفته شده تا مشخص شود که چگونه تحریم ها از طریق موقعیت خانوار در بازار کار تأثیر می گذارند. یافته های اصلی این گزارش عبارتند از:

- مصرف و رفاه خانوار به شدت تحت تأثیر تحریم هایی قرار گرفته که از سال ۲۰۱۰ اعمال شده اند. به طور میانگین، خانوارها مخارج خود را بین سال های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ به میزان یک پنجم کاهش داده اند.
- طبقه شغلی به طور اساسی واسطه تأثیر تحریم ها بر رفاه خانوار بوده است. گروه های اجتماعی، بسته به موقعیتشان در بازار کار، به شکل های متفاوتی با دوران تحریم مواجه شدند. کارگران بخش کشاورزی و کارمندان دولت به طور ویژه تحت فشار شدید تحریم ها قرار گرفتند.
- سیاست گذاری دولتی نمایانگر سوگیری طبقاتی و گروهی است. با این حال، نخبگان سیاسی عموماً در محافظت از رأی دهندگان خود در مقابل تأثیر نامساعد تحریم ها ناکام ماندند.
- رفع تحریم ها در سال های ۲۰۱۷-۲۰۱۶ با افزایش رفاه خانوار در سراسر طبقات شغلی ایران همراه بوده است.
- سوگیری طبقاتی تأثیر تحریم ها، نقاط تلاقی جنسیتی، قومیتی و منطقه ای را نمایان می کند که روشنگر جنبش های اعتراضی اخیر به سرگردگی زنان و اقلیت ها در ایران بود.

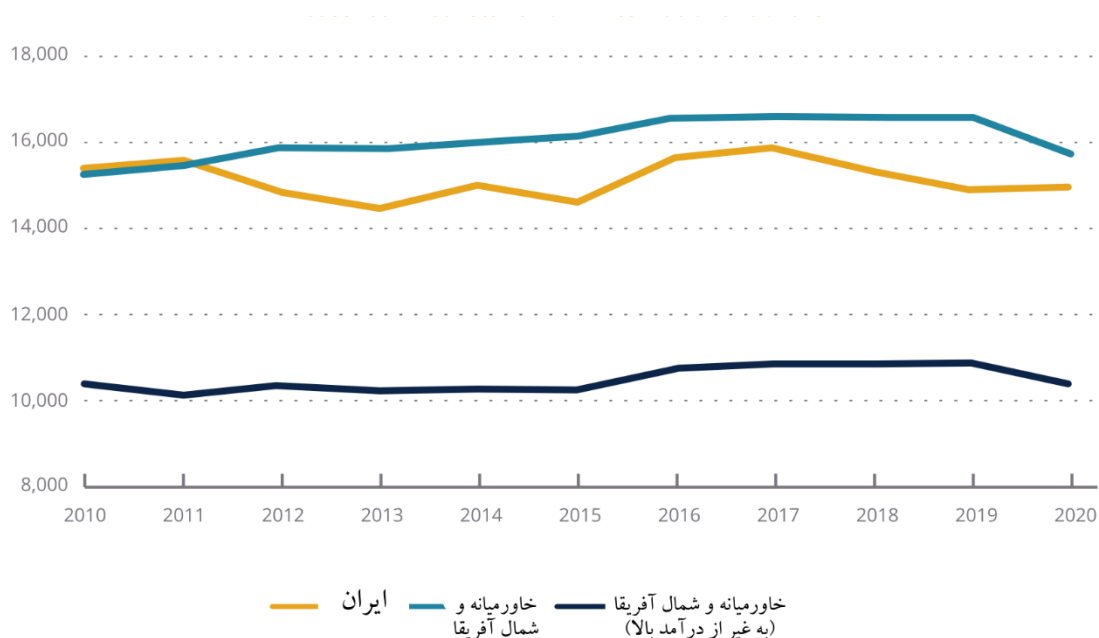


مقدمه

دهه ۲۰۱۰ برای اکثر اقتصادهای خاورمیانه و شمال آفریقا، دهه‌ای از دست رفته بود. کشورهای سراسر منطقه این دهه را با سطوح درآمد سرانه کمی بالاتر و در موارد زیادی بسیار پایین تر، به پایان رساندند. قیمت‌های کالایی پایین تر، تحولات داخلی، منازعات نظامی و همه‌گیری کووید-۱۹، رشد و سرمایه‌گذاری را دچار رکود کرد. با ترکیب تحریم‌های بین‌المللی با این تأثیرات منفی، اقتصاد ایران به‌طور خاص عملکرد ضعیفی داشته است. سرانه تولید ناخالص داخلی که بر حسب دلار به قیمت ثابت محاسبه شده است، با سخت‌تر شدن تحریم‌ها در سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۱۳ و سال‌های ۲۰۱۸-۲۰۱۹ سقوط کرد و با برداشته شدن جزئی تحریم‌ها بین سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۷ موقتاً بهبود پیدا کرد (شکل ۱).

شکل ۱: تولید ناخالص داخلی سرانه

محاسبه شده بر حسب دلار به قیمت ثابت سال ۲۰۱۷



منبع: بانک جهانی



تأثیرات تحریم‌ها بر اقتصاد ایران به‌طور گسترده مورد مطالعه قرار گرفته است.^۱ تحریم‌ها موجب کاهش صادرات نفتی، اشتغال پایین‌تر، کاهش ارزش پولی و تورم صعودی بوده‌اند اما تأثیرات متمایز تحریم‌ها بر خانواده‌های معمولی توجه کمتری را جلب کرده است.^۲ در این گزارش از داده‌های پیمایش هزینه و درآمد خانوار استفاده کرده‌ایم تا رابطه میان تحریم‌ها اقتصادی و رفاه خانوار را بررسی کنیم. در حالی که تحقیقات قبلی اکثراً رویکردی درآمدی داشته‌اند، من با استفاده از رویکرد طبقه شغلی، چگونگی میانجی‌گری تحریم‌ها به‌وسیله جایگاه خانوار در بازار کار ایران را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

رویکرد طبقه شغلی به چند دلیل آگاهی‌بخش است. اول این که درآمد حاصل از اشتغال، منبع اصلی درآمد خانوار را در ایران تشکیل می‌دهد و بدین ترتیب بازار کار را به محرک اصلی تغییرات رفاه خانوار تبدیل می‌کند. دوم، بازارهای کار ایران تماماً به‌وسیله جنسیت، قومیت، مذهب و تقسیمات شهری-روستایی بخش‌بندی شده‌اند. سوم، تنوع بخش‌بندی‌شده قابل توجهی در تأثیرات تحریم‌ها وجود دارد.^۳ تمرکز بر طبقه شغلی به‌جای درآمد، به‌تنهایی بخشی از این ناهمگونی را پوشش می‌دهد. در آخر، منابع دولتی به‌شکل نابرابری میان گروه‌های اجتماعی توزیع شده است که سوگیری نهادینه در سیاست‌های بازتوزیع دولتی را نشان می‌دهد. برخی گروه‌های اجتماعی به دولت نزدیک‌تر هستند و بنابراین ممکن است توانایی مطالبه مستقیم منابع را داشته باشند. این گزارش با نگاه به طبقه شغلی، بینش‌های عمیق‌تری درباره‌ی خاستگاه‌های اجتماعی و سوگیری‌های گروهی سیاست‌گذاری در ایران تحت تحریم‌ها را فراهم می‌کند.

^۱ تحقیقات اخیر شامل این موارد است:

Ali Moghaddasi Kelishomi and Roberto Nisticò, "Employment Effects of Economic Sanctions in Iran," *World Development* 151 (March 1, 2022): 105760; Dario Laudati and M. Hashem Pesaran, "Identifying the Effects of Sanctions on the Iranian Economy Using Newspaper Coverage," *SSRN Scholarly Paper* (Rochester, NY: Social Science Research Network, 2021), Orkideh Gharehgozli, "An Estimation of the Economic Cost of Recent Sanctions on Iran Using the Synthetic Control Method," *Economics Letters* 157 (August 1, 2017): 141-44, Firat Demir and Saleh S. Tabrizy, "Gendered Effects of Sanctions on Manufacturing Employment: Evidence from Iran," *Review of Development Economics* 26, no. 4 (2022): 2040-69.

^۲ استثنائات شامل این موارد است:

Djavad Salehi-Isfahani, "The Impact of Sanctions on Household Welfare and Employment in Iran," *Iran's Economy Under Sanctions* (SAIS, Johns Hopkins University, Washington, D.C., August ۱۱, ۲۰۲۲), Morteza Ghomi, "Who Is Afraid of Sanctions? The Macroeconomic and Distributional Effects of the Sanctions against Iran," *Economics & Politics* ۳۴, no. ۳(۲۰۲۲): ۳۹۵-۴۲۸

^۳ Gabriel Felbermayr et al., "On the Heterogeneous Effects of Sanctions on Trade and Welfare: Evidence from the Sanctions on Iran and a New Database," *School of Economics Working Paper Series* (LeBow College of Business, Drexel University, May ۱۶, ۲۰۲۰), https://ideas.repec.org/p/ris/drxlwp/۲۰۲۰_۰۰۴.html.



این گزارش نشان می‌دهد که تحریم‌های اعمال شده از سال ۲۰۱۰ به شدت مصرف و رفاه خانوارهای ایرانی را تحت تأثیر قرار داده و طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ باعث کاهش یک‌پنجم مخارج خانوارهای متوسط شده است. همچنین، این گزارش تأکید می‌کند که طبقه شغلی نقش واسطه‌ای مهمی در تأثیر تحریم‌ها بر رفاه خانوار داشته است. اتکای خانوارها به کشاورزی، اشتغال دولتی و کار ییدی در مناطق شهری از عوامل اصلی تعیین‌کننده در میزان مصرف و هزینه‌های خانوارها بوده است. علاوه بر این، گزارش حاکی از آن است که تأثیر تحریم‌ها بر سلامت و پوشش مستمری به جای آشکارا منفی بودن، پیچیده و چندوجهی است، که این امر نشان‌دهنده استحکام و مقاومت برخی از مؤسسات رفاهی در ایران است.

روش‌شناسی

پیمایش هزینه و درآمد خانوار یکی از بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین تحقیقات در ایران به شمار می‌آید و جامع‌ترین داده‌ها در زمینه اشتغال و درآمد خانوارها را ارائه می‌دهد. این پیمایش با پوشش ملی، مناطق شهری و روستایی را شامل می‌شود و داده‌ها را به تفکیک استان‌ها جمع‌آوری و طبقه‌بندی می‌کند. بنابراین، نیاز به استفاده از وزن‌های احتمالی وجود دارد تا احتمال نابرابری در انتخاب نمونه را جبران کند. خانوارها به صورت تصادفی و به طور مساوی در طول سال توزیع شده‌اند، به این معنا که ماهانه یک دوازدهم نمونه مورد مصاحبه قرار می‌گیرد. در این گزارش از تقویم میلادی استفاده شده است، اما دوره زمانی واقعی پیمایش همانند پیمایش هزینه و درآمد خانوار از ماه مارس تا یکسال بعد باقی مانده است. به عنوان مثال، سال ۲۰۱۰ «به دوره پیمایش بین مارس سال ۲۰۱۰ تا مارس سال ۲۰۱۱ اشاره دارد. هر سال حدود ۴۰۰۰۰ خانوار در این پیمایش شرکت می‌کنند. مجموعه داده‌های ترکیبی از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ شامل مجموع کل ۴۳۹۴۳۴ خانوار است.

جداسازی اثرات علی یک شوک اقتصادی بر جمعیت از لحاظ روش‌شناسانه چالش‌برانگیز است. عوامل دیگر و نیز عوامل مشاهده‌نشده ممکن است به عنوان متغیرهای مداخله‌گر عمل کنند. به عنوان مثال، دولت ایران در سال ۲۰۱۱ همزمان با تشدید تحریم‌ها یک طرح انتقال نقدی را معرفی کرد که ارزیابی دقیق تأثیر تحریم‌ها بر رفاه خانوارها را به صورت جداگانه دشوار می‌سازد.^۱ این گزارش قصد ندارد تا اثر علی دقیق تحریم‌ها را مشخص کند. در جایگاه یک

¹ Djavad Salehi-Isfahani and Mohammad H. Mostafavi-Dehzoeei, "Cash Transfers and Labor Supply: Evidence from a Large-Scale Program in Iran," SSRN Scholarly Paper (Rochester, NY: Social Science Research Network, December ۲۰۱۶), <https://doi.org/10.2139/ssrn.2896702>.



تخمین حدودی، از دوره‌هایی استفاده می‌کنم که در آن‌ها تحریم‌ها تأثیر عمده و واضحی بر اقتصاد داشتند. این گزارش از دوره‌های زمانی دو-ساله و یک-ساله برای ارزیابی این شوک استفاده می‌کند. برای شوک‌های یک‌ساله از سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۹ استفاده کرده‌ایم. بین زمان اعمال تحریم‌ها و تغییرات در هزینه‌ی خانوارها یک تأخیر وجود دارد و این سال‌ها به‌وضوح بیشترین تأثیر منفی «شوک» را نشان می‌دهند. همچنین برای بررسی بیشتر، از دوره‌های زمانی دو ساله با به‌کارگیری سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۱۲ و ۲۰۱۹-۲۰۱۸ استفاده کرده‌ایم.

این گزارش از رویکرد مخارج برای دستیابی به برآوردهای روندهای درآمدی استفاده می‌کند. با پیروی از اجماع علمی، از هزینه‌های خانوار به جای درآمدها استفاده کرده‌ایم. یک مشکل اساسی در بسیاری از پیمایش‌های بودجه خانوار، از جمله پیمایش هزینه و درآمد خانوار، این است که شرکت‌کنندگان تمایل دارند درآمد خود را پایین گزارش کنند^۱. با جمع‌آوری بیش از ۱۰۰۰ قلم از چندین بخش پیمایش، برآوردهای مخارج را به دست آورده‌ایم. دوره زمانی در برخی موارد، مانند هزینه‌های مسکن یا سرمایه‌گذاری‌ها، یک سال بود. در بیشتر موارد، دوره زمانی گزارش این هزینه‌ها جدیدتر بود. برای این موارد، برآوردهای سالانه را از طریق محاسبه میانگین مجموع مبالغ ماهانه و ضرب آن در دوازده به دست آورده‌ایم.

گزارش حاضر عمدتاً از برآوردهای میانه هزینه استفاده می‌کند. از آنجا که توزیع‌های درآمدی به سمت راست انحراف دارند، برآوردهای میانه تقریباً بهتری از «خانوار معمولی» نسبت به برآوردهای میانگین ارائه می‌دهند. علاوه بر این، به منظور مقایسه بین‌المللی، در تمام تحلیل‌های بعدی از دلار ثابت آمریکا بر اساس برابری قدرت خرید^۲ استفاده کرده‌ایم. داده‌های تبدیل برابری قدرت خرید از بانک جهانی به دست آمده، به سال ۲۰۲۰ برگردانده^۳ شده و برای تبدیل هزینه‌ها به دلار ثابت و تنظیم شده با تورم استفاده شده است.

من داده‌های مخارج خانوار را با استفاده از چارچوب طبقه‌ی شغلی بررسی می‌کنم تا مشخص کنم آیا تحریم‌ها دارای سوگیری طبقاتی هستند یا نه، به این معنا که اثرات آن‌ها توسط برخی گروه‌های اجتماعی بیشتر از بقیه احساس می‌شود.

¹ Aziz Atamanov, et al., "Constructing Robust Poverty Trends in the Islamic Republic of Iran: ۱۴-۲۰۰۸," Policy Research Working Paper (World Bank Group, September ۲۰۱۶); Carlo Azzarri, et al., "Measure for Measure: Systematic Patterns of Deviation between Measures of Income and Consumption in Developing Countries - Evidence from a New Dataset" (Third Global Conference WYE City Group on Statistics on Rural Development and Agricultural Household Income, Washington, D.C.: Food and Agriculture Organization (FAO), (۲۰۱۰).

² PPP

³ Rebase



من از داده‌های درآمد شغل-محور در پیمایش هزینه و درآمد خانوار برای تخصیص خانوارها به طبقات اجتماعی یا شغلی استفاده می‌کنم. به معنای دقیق‌تر، طبقه‌ی شغلی یک خانوار را با استفاده از پردرآمدترین شغل پردرآمدترین عضو خانوار تعریف می‌کنیم. در اکثریت قریب به اتفاق موارد، همان‌گونه که در پیمایش آمده است، پردرآمدترین عضو خانوار، سرپرست خانوار نیز بوده است. پردرآمدترین افراد نسبت به سرپرستان خانوار ترجیح داده شده‌اند تا تعداد خانوارهای فعال اقتصادی در نمونه به حداکثر برسد. پاسخ‌دهندگان به‌ندرت شغل‌های متعدد را گزارش داده‌اند.

جدول ۱: الگوی طبقه شغلی

طبقه اجتماعی متناظر به صورت کلی	توضیحات	طبقه شغلی
طبقه متوسط «مدرن»	همه کارگران بخش عمومی، بیشتر شامل کارمندان و مدیران دولتی به علاوه بخش کوچکی (<15٪) از کارگران صنعتی	بخش عمومی
	طبقه حرفه‌ای-مدیریتی: کارمندان ثابت حرفه‌ای، مدیریتی، اداری و غیر یدی در بخش خصوصی	حرفه‌ای-مدیریتی
خرده بورژوازی یا طبقه‌ی متوسط «سنتی»	بسیاری از مشاغل آزاد؛ مالکان کوچک دارای کارمند یا بدون کارمند	خرده مالکان
طبقه کارگر	کارگران یدی ماهر یا غیر ماهر شاغل در بخش غیر کشاورزی	کارگران غیر کشاورزی
	کارگران یدی ماهر یا غیر ماهر شاغل در بخش کشاورزی	کارگران کشاورزی
دهقان	کشاورزان مستقل یا کارفرماهای مزرعه	کشاورزان



توجه: خانوارها براساس بیشترین درآمد شغلی پردرآمدترین عضو خانوار به یک طبقه‌ی شغلی نسبت داده شده‌اند.

جدول ۱ طبقات شغلی مورد استفاده، تعاریف آن‌ها و طبقات اجتماعی متناظر با آن‌ها را به صورت کلی خلاصه می‌کند. طبقات شغلی با استفاده از کدهای چهار رقمی استاندارد بین‌المللی طبقه‌بندی مشاغل^۱ ساخته شده‌اند که مربوط به پردرآمدترین عضو خانوار و وضعیت شغلی مرتبط با شغل آن‌ها است. برای ساخت طبقات کلان، به طور کلی از تحقیقات موجود پیرامون طبقه‌بندی اجتماعی و تحرک اجتماعی در ایران و دیگر کشورها پیروی کردیم^۲. این گزارش از یک الگوی شش-دسته‌ای استفاده می‌کند تا پیچیدگی و گستردگی تحلیلی را فراهم ساخته و در عین حال دقت و استحکام نمونه‌گیری را حفظ کند. علاوه بر تمایزات معمول بین طبقات اداری و حرفه‌ای، خرده مالکان، طبقات کارگری کشاورز و غیرکشاورز و نیز دهقانان، بخش عمومی را نیز جدا کرده‌ایم، زیرا به طور مستقیم به هزینه‌های دولتی وابسته است و به همین خاطر هدف اصلی سیاست‌گذاری‌های دولتی و تصمیمات ریاضتی قرار می‌گیرد.

با وجود تعدیلات چشمگیر اقتصادی، ساختار شغلی ایران در طول دهه ۲۰۱۰ به طور کلی پایدار باقی مانده است. جدول ۲ ساختار طبقه‌ی شغلی ایران را در سطح خانوار شرح می‌دهد. ساختار طبقاتی ایران با داشتن طبقه بزرگ کارگران یدی غیرکشاورز خرده مالکان، برای یک کشور در حال توسعه و با درآمد متوسط، کاملاً عادی است^۳. به دلیل شرایط خشکسالی، دهقانان ایران نسبتاً کم هستند و کمتر از ۱۵ درصد از کل خانوارهای شاغل را تشکیل می‌دهند. بخش عمومی ایران نیز نسبتاً کوچک است و حدود ۲۰ درصد از کل خانوارهای شاغل در نمونه را تشکیل می‌دهد^۴.

¹ ISCO

² Robert Erikson and John H. Goldthorpe, *The Constant Flux: A Study of Class Mobility in Industrial Societies* (Clarendon Press, ۱۹۹۳); Farhad Nomani and Sohrab Behdad, *Class and Labor in Iran: Did the Revolution Matter?* (Syracuse, NY: Syracuse University Press, ۲۰۰۶).

³ Yunus Kaya, "Proletarianization with Polarization: Industrialization, Globalization, and Social Class in Turkey," *Research in Social Stratification and Mobility* ۲۶, no. ۲ (June ۱, ۲۰۰۸): ۱۶۱-۸۱, <https://doi.org/10.10۱۶/j.rssm.۲۰۰۷.۱۱.۰۰۳>; Alejandro Portes and Kelly Hoffman, "Latin American Class Structures: Their Composition and Change during the Neoliberal Era," *Latin American Research Review* ۳۸, no. ۱ (۲۰۰۳): ۴۱-۸۲

⁴ World Bank, "Public Employment and Governance in Middle East and North Africa" (Washington, D.C.: World Bank, May ۲۰۱۶), <https://openknowledge.worldbank.org/handle/25181/10986>



جدول ۲: برآوردهای ساختار طبقه شغلی ایران، میانگین سال های ۲۰۲۰-۲۰۱۰

طبقه شغلی	درصد کل	درصد اشتغال	کل خانوارهای نمونه
کارگران کشاورزی	۳.۵	۴.۷	۲۳۲۱۸
کشاورزان	۷.۸	۱۰.۱	۶۲۶۷۸
طبقه حرفه ای - مدیریتی	۱۵.۳	۲۰	۴۷۵۸۶
بخش عمومی	۱۱	۱۴.۲	۴۱۶۸۶
خرده مالکان	۱۳.۷	۱۷.۸	۵۱۳۴۶
کارگران غیرکشاورزی	۲۵.۵	۳۳.۲	۱۱۵۹۳۵
بیکار یا غیر فعال	۲۳.۱	-	۹۶۹۳۹
نامشخص	۰	۰	۴۸
کل	۱۰۰	۱۰۰	۴۳۹۴۳۴

منبع: پیمایش های هزینه و درآمد خانوار، مرکز آمار ایران.

توجه: تفاوت در مجموع به دلیل گرد کردن ارقام است.

در اینجا باید توجه داشت که پیمایش هزینه و درآمد خانوار یک پیمایش نیروی کار نیست. این پیمایش شامل سوالات کمی درباره مشاغل و ویژگی های شغلی است و بنابراین امکان بحث عمیق تر درباره این که آیا مشاغل در ایران ناامن تر



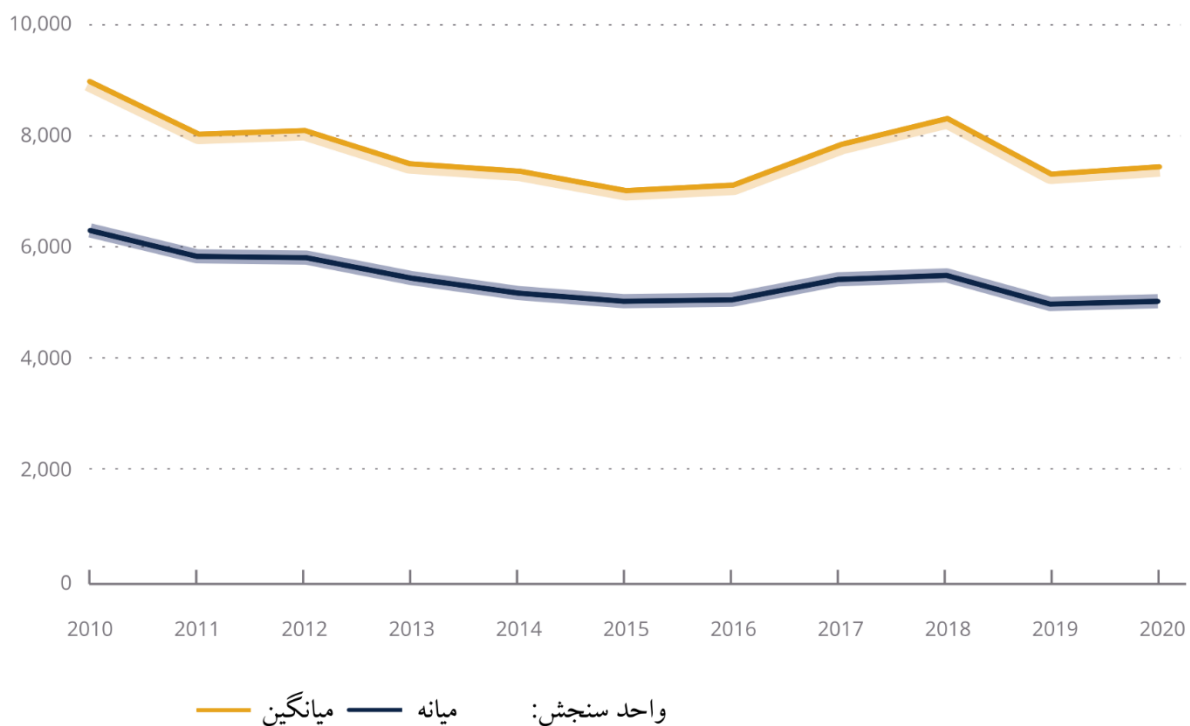
شده‌اند را نمی‌دهد. به همین دلیل، این گزارش عمدتاً به ارزیابی روندهای مربوط به عدم رسمیت^۱ و امنیت اجتماعی محدود شده، که محاسبه آن‌ها از طریق سوالاتی در مورد هزینه‌های بیمه اجتماعی صورت گرفته است.

تحریم‌ها بودجه خانوار را شدیداً کاهش داده‌اند

این بخش، تغییرات هزینه‌های خانوار را بین سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۲۰ با ارزیابی تأثیر دو سری از تحریم‌ها و دوره رفع تحریم‌ها، مورد بررسی قرار می‌دهد. داده‌های پیمایش نشان می‌دهد که خانوار متوسط هزینه‌های خود را حدود یک پنجم کاهش داده است.^۲ براساس تخمین‌های دریافتی از پیمایش، میانه و میانگین هزینه‌های خانوار به ازای هر نفر به ترتیب ۲۰.۹ و ۱۷.۸ درصد کاهش یافت (شکل ۲). در سال ۲۰۱۰ یک خانوار معمولی ایرانی حدود ۶۳۰۰ دلار سرانه هزینه کرده که تا سال ۲۰۲۰ به ۵۰۰۰ دلار کاهش پیدا کرد. هزینه خانوار بیش از تولید ناخالص داخلی کل کاهش داشته است، به این معنا که شرکت‌ها، ثروتمندان و دولت توانایی این را داشتند که هزینه تعدیل اقتصادی را به مصرف‌کنندگان عادی انتقال داده که این امر شامل کاهش حقوق و درآمد کارگران می‌شود.^۳ احتمال این وجود دارد که هزینه‌ی نیروی کار پایین‌تر به مهار بیکاری در طول دهه‌ی ۲۰۱۰ کمک کرده باشد.^۴

شکل ۲: هزینه سالانه خانوار، سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۲۰

سرانه، بر حسب دلار به قیمت‌های ثابت سال ۲۰۲۰



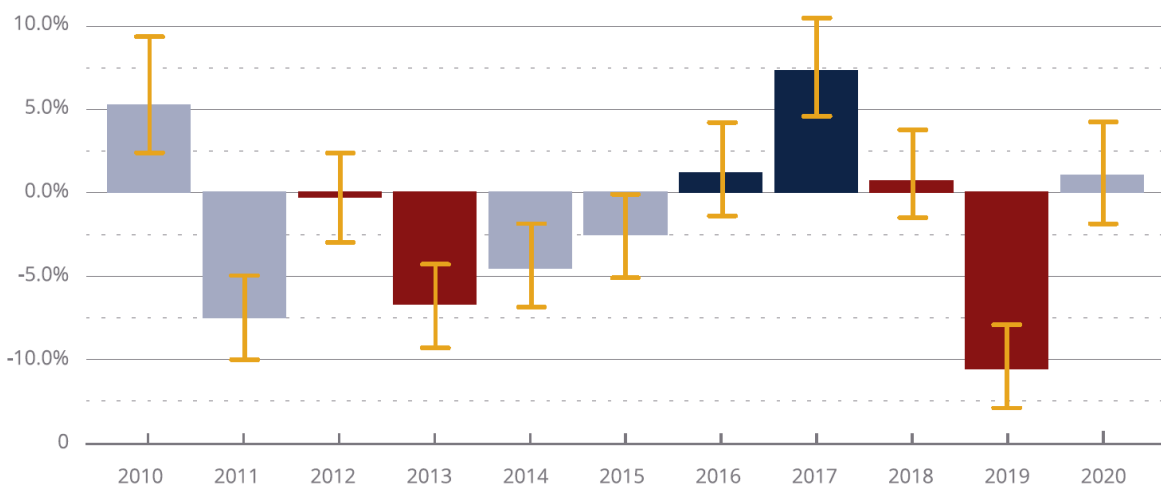


توجه: برآوردها دارای محدوده اطمینان ۹۵٪ هستند. تمام برآوردها برای توضیح اندازه خانوار به صورت سرانه است.

تحریم‌ها و رفع تحریم‌ها چه تأثیری بر رفاه خانوار گذاشتند؟ کشورهای زیادی در خاورمیانه و شمال آفریقا بدون آن که تحت تأثیر انواع تحریم‌های اعمال شده بر ایران باشند، شاهد رکود و یا کاهش رشد تولید ناخالص داخلی خود بودند. یک راه برای ارزیابی تأثیر مستقل تحریم‌ها از طریق مشاهده سال‌هایی است که تحریم‌ها دقیقاً در آن‌ها تحمیل شده و یا تا حدودی رفع شده‌اند. شکل ۳ نمایانگر تغییرات در متوسط مخارج خانوار است که دهه ۲۰۱۰ را به چندین دوره زیرمجموعه تقسیم کرده است. این شکل که دارای فاصله اطمینان ۹۵ درصدی است، نشان می‌دهد که هزینه خانوار قبل از سخت‌تر شدن تحریم‌ها در سال ۲۰۱۳-۲۰۱۲ رو به کاهش بوده است. در سال ۲۰۱۱ متوسط هزینه خانوار با تخمین ۷.۶ درصدی کاهش یافت. تخمین هزینه در سال‌های «شوک» تحریم‌ها ۲۰۱۳-۲۰۱۲ تنها ۰.۳ درصد کاهش داشت که در سال ۲۰۱۳ به رقم قابل توجه ۶.۸ درصدی کاهش پیدا کرد. روند رو به رشد در سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۱۱ به اجرای طرح انتقال نقدی در سال ۲۰۱۱ نسبت داده شده است.^۱ هرچند طرح انتقال نقدی در ابتدا درآمدهای خانوار را افزایش داد، ارزش واقعی آن در سال‌های بعدی به شکل قابل توجهی کاهش یافت.

شکل ۳: تغییر در میانه هزینه سالانه خانوار

سرانه، بر حسب دلار به قیمت‌های ثابت سال ۲۰۲۰



¹ Atamanov, et al. (n ۵)



توجه: سال های تشدید تحریم ها (۲۰۱۲-۱۳ و ۲۰۱۸-۱۹) دارای ستون قرمز هستند. سال های رفع تحریم ها (۲۰۱۶-۱۷) آبی پررنگ هستند. همه سال های دیگر آبی کم رنگ هستند.

کاهش هزینه های خانوار در سال های ۲۰۱۴-۲۰۱۵ ادامه یافت اما با ادامه مذاکرات دولت پیرامون برنامه هسته ای و دستیابی به رفع موقت تحریم ها، سرعت آن کمتر بود. ایران در ژانویه سال ۲۰۱۶ از رفع گسترده تحریم ها به عنوان بخشی از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) بهره مند شد. متوسط هزینه خانوار با تخمین ۱.۳ درصد در سال ۲۰۱۶ و ۷.۴ درصد در سال ۲۰۱۷ افزایش یافت. ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۱۸ به صورت یک جانبه از برجام خارج شد و تحریم ها را دوباره اعمال کرد. در همان سال، رشد میانگین هزینه های خانوار حدود یک درصد کاهش یافت و سپس در سال ۲۰۱۹ با افت ۱۰.۶ درصدی مواجه شد که تمام دستاوردهای دوره پس از رفع تحریم ها را از بین برد. در سال ۲۰۲۰ همزمان با درگیری ایران با همه گیری کووید-۱۹، متوسط هزینه های خانوار ۱.۲ درصد افزایش یافت، هر چند این تخمین با سطح فاصله اطمینان ۹۵ درصدی از لحاظ آماری قابل توجه نیست.

طبقات کشاورزی و بخش عمومی، قربانیان اصلی تحریم ها بودند

بیشتر خانوارهای ایرانی با کاهش درآمدها و کاهش ارزش دستمزدهای واقعی در طول دهه ۲۰۱۰ هزینه های خود را کاهش دادند. با این حال، برخی از گروه های اجتماعی بر اساس موقعیت خود در بازار کار وضعیت بدتری نسبت به دیگران داشتند. در این بخش، به بررسی دقیق تر تغییرات در هزینه های خانوار بر اساس طبقه شغلی پرداخته می شود. تعریف وضعیت طبقه شغلی با استفاده از شغل پردرآمدترین عضو خانوار انجام شده است.^۱

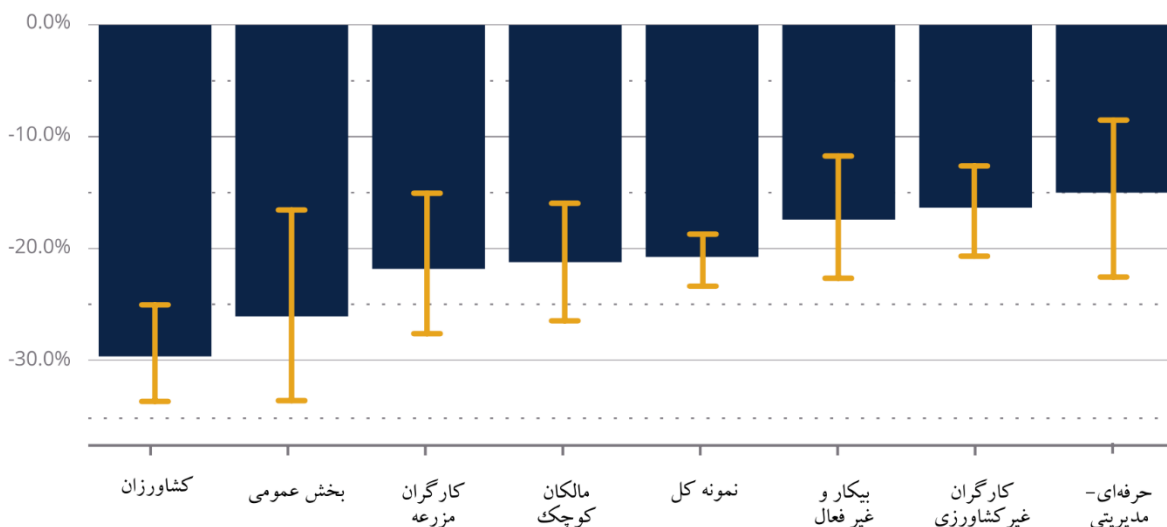
یافته های پیمایش هزینه و درآمد خانوار نشان می دهد که طبقات کشاورزی و بخش عمومی قربانیان اصلی تحریم ها بوده اند. تحریم ها باعث شدند دستمزدهای دریافتی از اشتغال دولتی، کار کشاورزی و مالکیت کسب و کار کاهش پیدا کند. در مقابل، به نظر می رسد که کارگران دستمزدی که در مناطق شهری و به ویژه در بخش خصوصی کار می کنند، وضعیت بهتری داشته اند. همان طور که در ادامه توضیح داده می شود، چنین دریافتی حاوی پیامدهای مهمی برای فهم ما از چگونگی تأثیر گذاری تحریم ها، نه فقط از طریق طبقه اجتماعی، بلکه از طریق جنسیت و قومیت است.

^۱ برای جزئیات بیشتر به بخش روش شناسی مراجعه شود.



شکل ۴: تغییر کل در میانه هزینه خانوار (سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۲۰)

سراهنه، بر حسب دلار به قیمت‌های ثابت سال ۲۰۲۰



توجه: طبقه‌ی شغلی براساس ویژگی‌های اشتغال پردرآمدترین عضو خانوار تعریف شده است.

شکل ۴ تغییر کل در میانه هزینه‌های خانوار را بر اساس طبقه‌ی شغلی در ایران بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ نشان می‌دهد که به صورت صعودی مرتب شده‌اند. برآوردها دارای فاصله اطمینان ۹۵ درصدی هستند.^۱ با توجه به عملکرد کلی در طول دهه، می‌توان سه گروه اجتماعی عمده را متمایز کرد. بدترین عملکرد به گروه‌های روستایی وابسته به بخش کشاورزی، مانند کشاورزان و کارگران مزرعه تعلق دارد. این خانوارهای کشاورزی در طول دهه ۲۰۱۰ هزینه‌های خود را بین ۲۶ تا ۳۰ درصد کاهش دادند.^۲ خرده مالکان و خانوارهای وابسته به بخش عمومی عملکردی بهتر از گروه اول ولی بدتر از میانگین کل داشتند. میانه هزینه‌های این طبقات حدود ۲۱ درصد کاهش یافته است. گروه سوم و بهترین عملکرد متعلق به طبقات حرفه‌ای-مدیریتی بخش خصوصی و کارگران دستی غیرکشاورزی است. این

^۱ فاصله اطمینان تا حدودی تابعی از اندازه نمونه است. در نتیجه، گروه‌های نمونه‌گیری شده کوچک مثل کارگران کشاورزی عموماً مرتبط با فاصله اطمینان بزرگتر هستند.
^۲ کشاورزان بیشتر از گروه‌های دیگر در معرض تغییرات آب و هوایی و خشکسالی هستند که احتمالاً ثروت آن‌ها در این دوره را نیز تحت تأثیر قرار داده است. برای نمونه به این مورد مراجعه کنید:

Marzieh Keshavarz, Ezatollah Karami and Frank Vanclay, "The Social Experience of Drought in Rural Iran," Land Use Policy ۳۰, no. ۱ (January ۱, ۲۰۱۳): ۱۲۰-۲۹, <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2012.03.003>

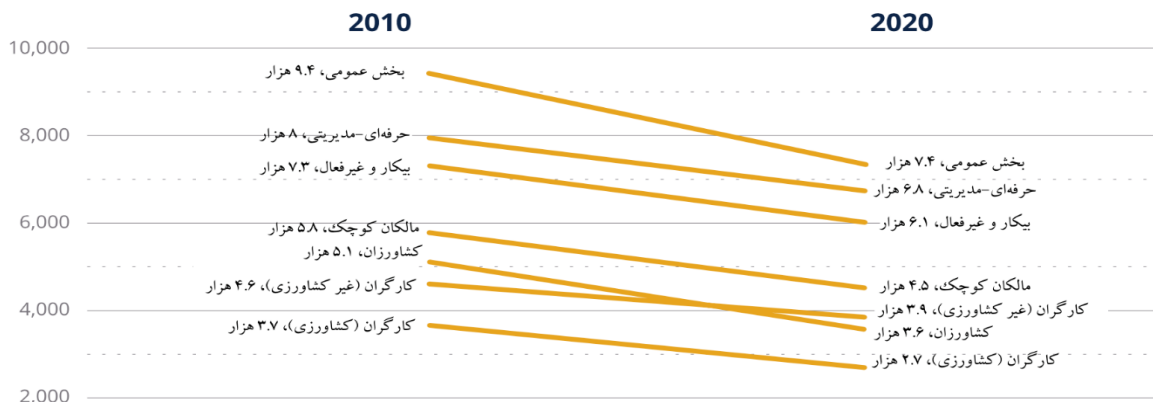


گروه های دستمزدی که شهری تر و مرتبط با بخش خصوصی هستند، میانه هزینه هایشان بین ۱۵ تا ۱۶ درصد کاهش یافته است.^۱

به منظور درک بهتر از فقیر شدن این طبقات اجتماعی عمده، شکل ۵ کاهش کل در میانه هزینه های خانوار بر اساس طبقه ی شغلی بین سال های ۲۰۱۰ و ۲۰۲۰ را نشان می دهد. در درجه اول، این نمودار جایگاه اقتصادی هر طبقه را به تصویر می کشد. خانوارهای بخش عمومی غالباً ثروتمندترین بوده، به طور متوسط ۷۴۰۰ دلار خرج می کنند و طبقه متوسط بالای ایران را تشکیل می دهند. بعد از آن، طبقه حرفه ای-مدیریتی و جمعیت های بیکار و غیرفعال قرار دارند، که بخش بزرگی از آنها شامل بازنشستگان و کارمندان سابق بخش عمومی هستند و همچنین دیگر خانواده های غیر فعالی که به حواله های بین المللی یا اجاره بها وابسته اند را نیز در بر می گیرد.^۲ این گروه ها به ترتیب به طور متوسط ۹ و ۲۱ درصد کمتر از کارگران بخش عمومی هزینه می کنند. خرده مالکان، کارگران غیر کشاورزی و کشاورزان در رتبه بعدی قرار دارند و تقریباً ۵۰ درصد کمتر از بخش عمومی هزینه می کنند. خرده مالکان و کشاورزان حداقل در سال ۲۰۱۰، ممکن است همچنان از یک سبک زندگی طبقه متوسط بهره مند باشند.^۳ کارگران غیر کشاورزی به شکل قابل توجهی بیشتر از کارگران کشاورزی که فقیرترین طبقه شغلی ایران هستند، هزینه می کنند.

شکل ۵: میانه مخارج سالانه خانوار به تفکیک طبقه شغلی، سال های ۲۰۱۰-۲۰۲۰

سرانه، بر حسب دلار به قیمت ثابت سال ۲۰۲۰



^۱ جمعیت بیکار و غیر فعال اقتصادی گروه ناهمگن تری است که شامل کارجویان، گروه های بیکار گوناگون، مستمیری بگیران و صاحبخانه ها است. در این گزارش از آنها پیرامون مشارکت بازار کار صحبت نخواهد شد. برآوردهای این گروه فقط با هدف اطلاع رسانی و ارجاع آورده شده است.
^۲ گروه آخر مشخصاً از لحاظ درونی همگنی بالایی دارد که شامل بخش عمده خانواده های فقیر و بیکار است.

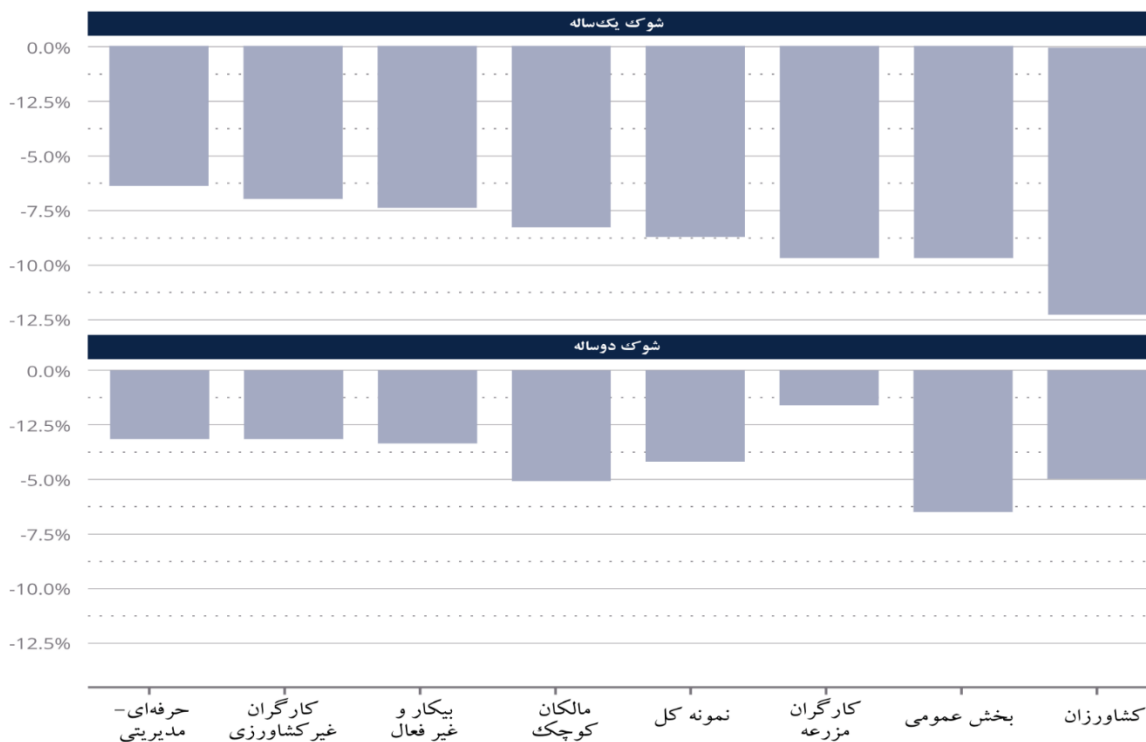
^۳ Ali Shakoori, "Rural Development in Iran: A Survey of Policies and Outcomes," *Journal of Developing Societies* 35, no. 3 (September 9, 2019): 1-21.



شکل ۵ نشان می‌دهد که به طور کلی جایگاه نسبی طبقات اجتماعی در طول دهه ۲۰۱۰ حفظ شده است. با این حال، دو جهش مهم در نابرابری طبقاتی در ایران در این دوره رخ داده است. اول، شکاف هزینه‌ای بین خانوارهای بخش عمومی و خانوارهای حرفه‌ای-مدیریتی به طور قابل توجهی کاهش یافته است، که کاهش وضعیت اقتصادی اشتغال دولتی را نشان می‌دهد.^۱ دوم، میانه هزینه‌های خانوار بین دهقانان به شدت کاهش یافته است. در سال ۲۰۱۰، یک خانوار کشاورزی معمولی فقط حدود ۱۰ درصد کمتر از یک خانواده مالک کوچک معمولی و ۱۰ درصد بیشتر از یک خانواده کارگر غیرکشاورزی معمولی هزینه می‌کرد. تا سال ۲۰۲۰، یک خانوار کشاورزی معمولی تقریباً ۱۰ درصد کمتر از یک خانواده کارگر غیرکشاورزی معمولی و بعضاً به اندازه‌ی خانواده‌های کارگر کشاورزی هزینه می‌کرد.

شکل ۶: تأثیر دو دوره تحریم بر بودجه‌های خانوار

متوسط تغییر در میانه هزینه خانوار (بر حسب دلار به قیمت ثابت سال ۲۰۲۰)



توجه: دوره‌های شوک یک‌ساله سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۹ هستند. دوره‌های شوک دو‌ساله سال‌های ۲۰۱۳، ۲۰۱۲، ۲۰۱۱ و ۲۰۱۰ هستند.

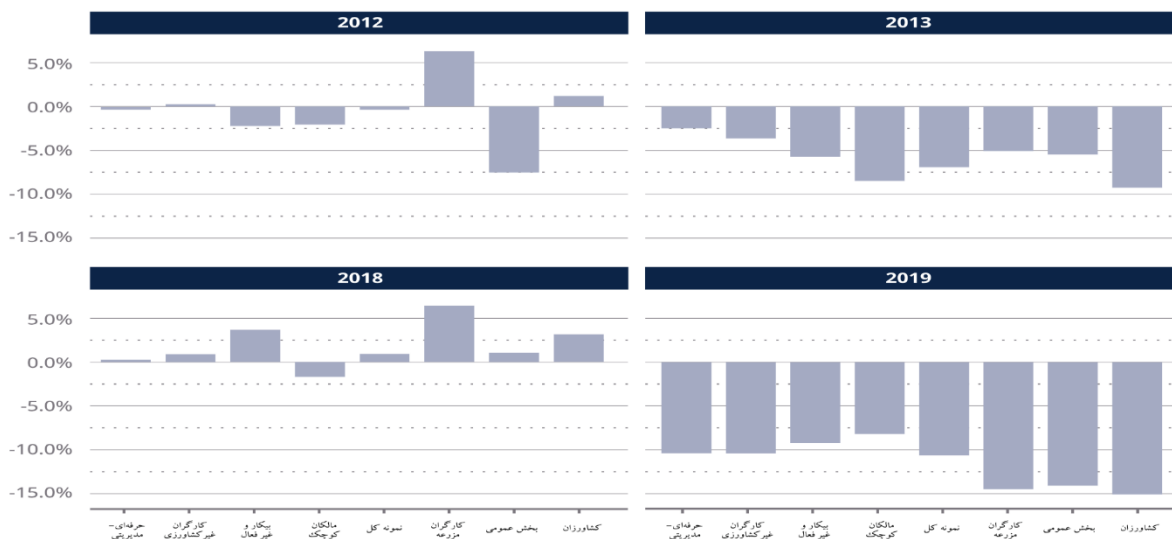
^۱ این یافته به برآورد اخیر از «طبقه متوسط فقیر» ایران کمک می‌کند.



کدام گروه‌های شغلی بیشتر تحت تأثیر تحریم‌ها قرار گرفتند؟ شکل ۶ برای جداسازی دقیق‌تر تأثیر تحریم‌ها، تغییر میانگین در میانه هزینه‌های خانوار را برای دوره‌های شوک یک‌ساله و شوک دوساله نشان می‌دهد. این دوره‌های شوک شامل سال‌هایی هستند که تحریم‌ها تأثیر شدیدی بر اقتصاد گذاشته‌اند که همان سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۱۳ و سال‌های ۲۰۱۸-۲۰۱۹ است (سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۹ دوره‌های شوک یک‌ساله هستند)^۱. صرف نظر از این که از چارچوب زمانی یک‌ساله یا دوساله استفاده شود، نتایج نشان می‌دهد که تحریم‌ها به‌طور متوسط تأثیر منفی بیشتری بر طبقات کشاورزی و خانوارهای بخش عمومی در مقایسه با سایر گروه‌ها گذاشته‌اند. براساس داده‌های سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۹، کشاورزان بیشترین آسیب را دیده‌اند. میانه هزینه‌های خانوارهای کشاورزان به‌طور میانگین حدود ۱۲.۲ درصد کاهش یافته است. خانوارهای بخش عمومی و کارگران کشاورزی نیز عملکردی بدتر از میانگین داشته‌اند، به‌طوری که بودجه‌های میانه برای هر دو گروه به‌طور متوسط ۹.۷ درصد کاهش یافته است. با استفاده از چارچوب زمانی دوساله، خانوارهای بخش عمومی نسبت به سایر گروه‌ها عملکرد بدتری داشته‌اند. میانه هزینه‌های آن‌ها در این چهار سال به‌طور متوسط حدود ۶.۵ درصد در سال کاهش یافته است. براساس این دوره طولانی‌تر شوک، خرده مالکان نیز عملکردی مشابه کشاورزان داشته‌اند، به‌طوری که میانه بودجه‌های خانوارهای این دو گروه به‌طور میانگین ۵.۱ و ۵ درصد در سال کاهش یافته است.

شکل ۷: بودجه خانوار در چهار سال تحریم

متوسط تغییر در میانه هزینه خانوار (بر حسب دلار به قیمت ثابت سال ۲۰۲۰)



^۱ اطلاعات بیشتر درباره‌ی مزایای نسبی دوره‌های یک‌ساله در مقایسه با دوره‌های دوساله برای ارزیابی اثرات شوک در بخش روش‌شناسی قابل مشاهده است.



شکل ۷ این یافته‌ها را به چهار سالی که تحریم‌ها بیشترین تأثیر را بر خانوارها گذاشتند، تقسیم‌بندی می‌کند. این شکل تفاوت‌ها در تأثیرات مربوط به دو دوره تحریم مشخص می‌کند. دوره اول با کاهش شدید هزینه‌ها در میان خانوارهای بخش عمومی همراه است. کاهش هزینه‌های بخش عمومی ممکن است تا حدی نتیجه کاهش حقوق دولتی باشد، زیرا دولت به دلیل تحریم‌ها درآمدهای کمتری را در نظر گرفته بود. اما بخشی از این کاهش نیز نتیجه اصلاحات یارانه‌ای است که سود بیشتری برای گروه‌های کم‌درآمد نسبت به گروه‌های پردرآمد، مانند خانوارهای بخش عمومی داشت.^۱ علاوه بر این، هزینه‌های خانوار برای هر دو گروه کشاورزان و کارگران کشاورزی در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۸ بیشتر از سایر گروه‌ها افزایش یافت و بعد از آن در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۹ با کاهش‌های شدیدی همراه بود. چنین چیزی همچنین نشان‌دهنده تفاوت‌های طبقاتی در زمان‌بندی تأثیر تحریم‌ها است. تفاوت نهایی بین این دو دوره این است که به نظر می‌رسد تأثیر دور اول تحریم‌ها دارای شدت کمتر و نابرابری بیشتر بود. در حالی که خانوارهای بخش عمومی و کشاورزان به طور قابل توجهی هزینه‌های خود را کاهش دادند، تأثیر [تحریم‌ها] بر طبقه حرفه‌ای-مدیریتی و کارگران به نظر شدت کمتری دارد. در مقابل، در سال‌های ۲۰۱۸-۲۰۱۹ و به‌ویژه فقط در سال ۲۰۱۹، برآوردهای میانه هزینه در تمام طبقات ثبت شده به میزان چشم‌گیری کاهش یافت.

به طور خلاصه، تأثیر تحریم‌ها بر خانوارها براساس جایگاهشان در بازار کار متفاوت بود. گروه‌های کشاورزی و خانوارهای وابسته به بخش عمومی به‌طور متوسط بیشتر تحت تأثیر تحریم‌ها قرار گرفتند. این یافته‌ها پیامدهای مهمی برای درک ما از تأثیرات گسترده‌تر تحریم‌ها به همراه دارد. به طور خاص، مشارکت نیروی کار زنان در ایران عمدتاً در استخدام بخش عمومی و کشاورزی متمرکز است.^۲ اداره کل غیرنظامی ایران تنها ۱۵ درصد از کل نیروی کار را استخدام می‌کند، اما تقریباً نیمی از کادر آن را زنان تشکیل می‌دهند. از آنجا که مشارکت زنان در نیروی کار پایین است (حدود ۱۵ درصد طبق آمار سازمان بین‌المللی کار) حدود یک سوم زنان شاغل به احتمال زیاد توسط دولت استخدام می‌شوند. بر اساس داده‌های سازمان بین‌المللی کار، حدود ۲۰ درصد از زنان در بخش کشاورزی شاغل هستند. این بدان معناست که بیش از نیمی از زنان شاغل در بخش‌های کشاورزی و عمومی متمرکز شده‌اند. تأثیر

^۱ در واقع، اصلاحات یارانه‌ای بیشتر برای کاهش هزینه اضافی در بخش عمومی طراحی شده بود. در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، بخش‌های عمومی با توجه به وضعیت توسعه این کشورها، حق الزحمه‌ی بالایی دریافت می‌کنند. مراجعه شود به:

World Bank, "Public Employment and Governance in Middle East and North Africa" (n 8).

^۲ Valentine M. Moghadam, "Hidden from History? Women Workers in Modern Iran," *Iranian Studies* 33, no. 3/4 (2000): 377-401; Fatemeh Etemad Moghadam, "Undercounting Women's Work in Iran," *Iranian Studies* 42, no. 1 (2009): 81-95; Rokhsana Bahramitash and Hadi Salehi Isfahani, *Veiled Employment: Islamism and the Political Economy of Women's Employment in Iran*, Contemporary Issues in the Middle East (Syracuse University Press, 2011); Pooya Alaedini and Mohamad Reza Razavi, "Women's Participation and Employment in Iran: A Critical Examination," *Critique: Critical Middle Eastern Studies* 14, no. 1 (March 1, 2005): 57-73, <https://doi.org/10.1080/10669920500057062>.



تحریم‌ها بر این بخش‌ها بیشتر از بقیه بود و بنابراین زنان شاغل را به صورت نابرابری تحت تأثیر قرار داد.^۱ این موضوع برای بسیاری از اقلیت‌های قومی و مذهبی ایران نیز صادق است که بیشتر به کار کشاورزی متکی هستند. در مقابل، بخش‌های خصوصی که بیشتر تحت سلطه مردان هستند، از بدترین تأثیرات تحریم‌ها در امان ماندند.^۲

سیاست‌گذاران با وجود تحریم‌ها پوشش بیمه اجتماعی را گسترش دادند

مطالعات نشان داده‌اند که تحریم‌ها چگونه بر سیستم بهداشت و درمان و رفاه اجتماعی ایران تأثیر منفی گذاشته‌اند. به عنوان مثال، محدودیت‌های تجاری، واردات برخی داروها را دشوار یا پرهزینه کرده است.^۳ ریاضت اقتصادی مرتبط با تحریم‌ها همچنین کیفیت خدمات، نظارت دولت و ظرفیت دولتی را کاهش داده و مشکلات مالی صندوق‌های بازنشستگی در ایران را عمیق‌تر کرده است.^۴ با وجود این نگرانی‌ها، یافته‌های پیمایش هزینه و درآمد خانوار به یک نکته مثبت نیز اشاره می‌کند: سیاست‌گذاران ایرانی توانستند اثرات زیان‌بار تحریم‌ها بر دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی، امنیت اجتماعی و بازارهای کار رسمی را کاهش دهند. به نظر می‌رسد این موفقیت عمدتاً ناشی از نهادهای موجود بوده است که نشان از قدرت نسبی و استحکام بخش‌هایی از دولت رفاه ایران است.^۵

شکل ۸ نرخ‌های کلی پوشش بازنشستگی و درمان را در دهه ۲۰۱۰ نشان می‌دهد. بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰، پوشش بازنشستگی و درمان افزایش یافت. پوشش درمان به میلیون‌ها خانوار ایرانی که تاکنون از آن‌ها مستثنی بودند، گسترش یافت و از ۷۱ درصد به حدود ۸۴ درصد از کل خانوارها در سال ۲۰۲۰ رسید. در مقایسه با درمان، پوشش بازنشستگی که از شاخص‌های رسمی بودن کار است، نرخ رشد نسبتاً ضعیفی داشت و از ۳۴ درصد به ۳۷ درصد بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ افزایش یافت.

^۱ تحقیقات دیگر نیز این تأثیرات جنسیتی و قومیتی را مورد بررسی قرار داده‌اند. برای نمونه مراجعه کنید به:

“Identifying the Effects of Sanctions on the Iranian Economy Using Newspaper Coverage”; Demir and Tabrizy, “Gendered, Laudati and Pesaran, Effects of Sanctions on Manufacturing Employment”; Ghomi, “Who Is Afraid of Sanctions?”

^۲ ممکن است کسی استدلال کند که بخش عمومی نسبتاً کوچک ایران به محافظت از کشور در برابر تأثیرات منفی اقتصادی فشارهای بین‌المللی کمک می‌کند. برای تحلیل رابطه‌ی بین غیررسمی بودن و تحریم‌ها مراجعه شود به:

Bryan Early and Dursun Peksen, “Searching in the Shadows: The Impact of Economic Sanctions on Informal Economies,” *Political Research Quarterly* 72, no. 4 (December 1, 2019): 821–34, <https://doi.org/10.1177/1065912918806412>.

^۳ Shohreh Shahabi, et al., “The Impact of International Economic Sanctions on Iranian Cancer Healthcare,” *Health Policy* 119, no. 10 (October 1, 2015): 1309–18, <https://doi.org/10.1016/j.healthpol.2015.08.012>

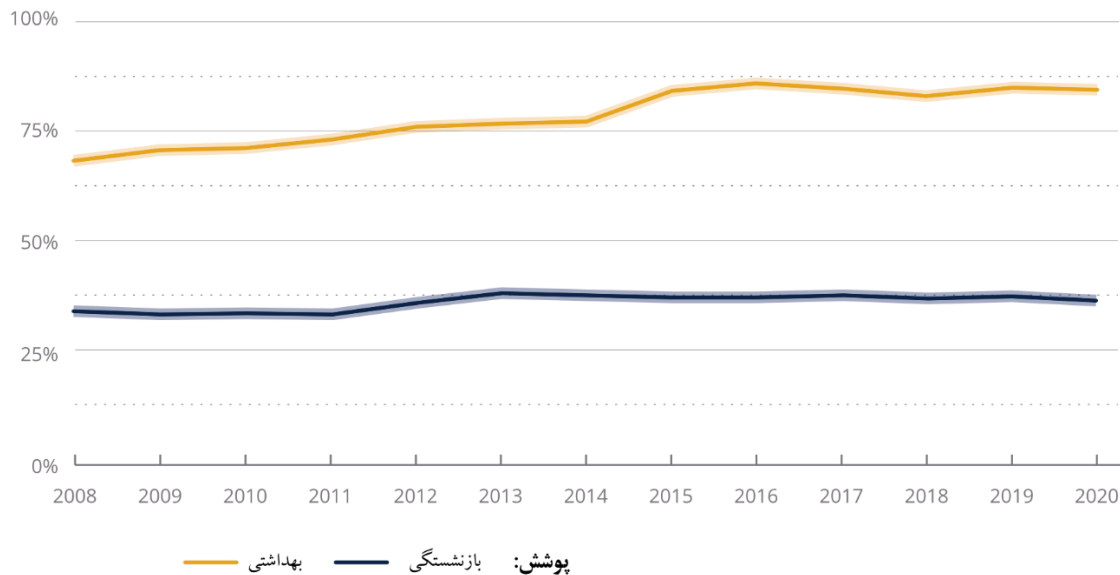
^۴ Kevan Harris, “Iran’s Government Expenditure Priorities and Social Policy Burdens During Sanctions” (SAIS, Johns Hopkins University, Washington, D.C., 2020)

^۵ این فرضیه با یافته‌های تحقیقاتی پیرامون نقش رفاه در ساخت سیاست پسا-انقلابی تأیید شده است. مراجعه شود به:

Kevan Harris, *A Social Revolution: Politics and the Welfare State in Iran* (University of California Press, 2017); Pooya Alaedini, ed., *Social Policy in Iran: Main Components and Institutions* (London: Routledge, 2021).



شکل ۸: پوشش بیمه درمان و تأمین اجتماعی (سال های ۲۰۰۸-۲۰۲۰)



توجه: برآوردها دارای فاصله اطمینان ۹۵٪ هستند.

با این که اکثر خانوارهای ایرانی در ابتدای دوره تحریم‌ها به مراقبت‌های بهداشت و درمان دسترسی داشتند، دولت احمدی‌نژاد و روحانی هر دو سیاست‌هایی را ادامه دادند که گروه‌های جمعیتی جدیدی را پوشش می‌داد. شکل ۸ نشان می‌دهد که پس از تشدید تحریم‌ها در سال ۲۰۱۱، پوشش درمان، که با نرخ‌های بیمه محاسبه می‌شود، همچنان به صورت پایداری ادامه یافته است. بنابراین به نظر می‌رسد که سیاست‌های پیشین در برابر فشارهای اقتصادی بین‌المللی عملاً ادامه یافته و حفظ شده‌اند. روحانی نیز پس از پیروزی خود در سال ۲۰۱۳ سیاست‌های جدیدی را با هدف گسترش پوشش درمان به اجرا گذاشت. داده‌های پیمایش هزینه و درآمد خانوار نشان می‌دهد که این سیاست‌ها در کوتاه‌مدت تأثیر مثبتی داشتند. پوشش درمان بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶ به سرعت گسترش یافت و از ۷۷ درصد به ۸۶ درصد رسید. با این حال، این دستاوردها عمدتاً عمر کوتاهی داشتند که احتمالاً دلایل ترکیبی از تحریم‌ها و عدم تمایل سیاسی یا اداری بوده است.^۱ نرخ پوشش در سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۱۸ عملاً کاهش یافت و در سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۱۹ به روند بلندمدت خود بازگشت.^۲

^۱ بنابراین برنامه بهداشتی روحانی ظاهراً به آن میزان که در ابتدا تصور می‌شد، موفق نبوده است.

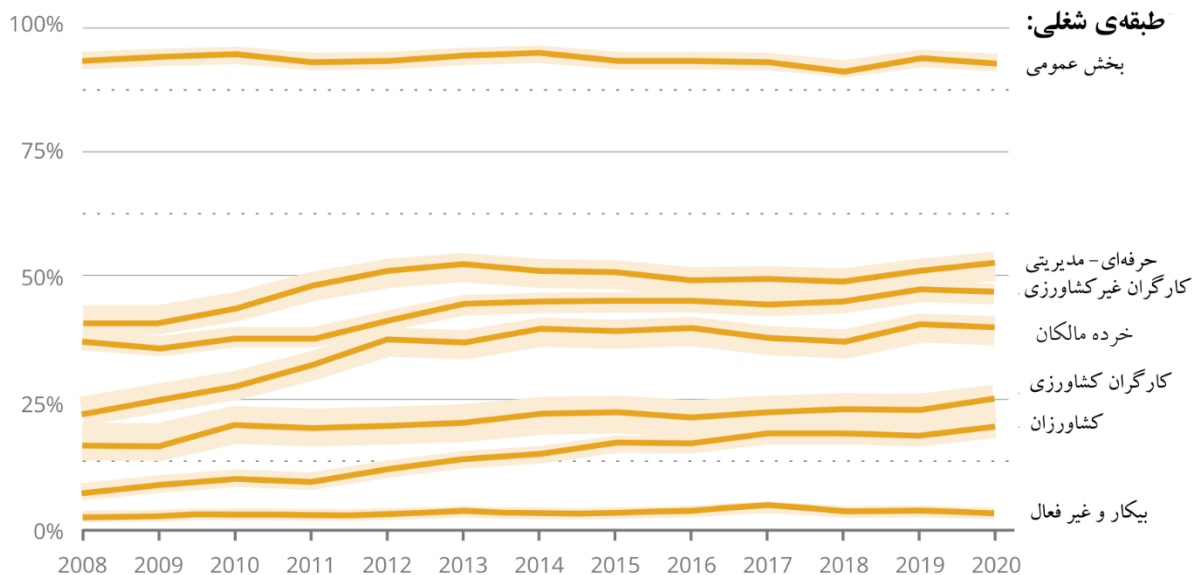
^۲ برای بحث اخیر پیرامون پوشش و سیاست سلامت مراجعه شود به:

Ali Hassanzadeh, "Iran's Health Policy and Healthcare System: Achievements and Challenges," in *Social Policy in Iran*, ed. Pooya Alaedini (Routledge, 2021).



داده‌های پیمایش هزینه و درآمد خانوار همچنین نشان می‌دهد که تحریم‌ها دسترسی به طرح‌های بازنشستگی در ایران را کاهش نداده‌اند. پوشش بیمه تأمین اجتماعی مانند درمان نیز روند بلندمدت خود را ادامه داد. در مورد بازنشستگی، این روند عمدتاً ثابت بود. تنها حدود یک‌سوم از خانوارهای نمونه‌گیری شده، هزینه‌های مربوط به طرح بازنشستگی را گزارش کردند و این میزان برای دوره سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۰۸ بدون تغییر باقی ماند. نابرابری طبقاتی نیز به دلیل دسترسی پایین به بیمه تأمین اجتماعی، به‌طور قابل توجهی بیشتر بود. شکل ۹ نرخ‌های بیمه تأمین اجتماعی را براساس طبقه اجتماعی ترسیم می‌کند. این شکل نشان می‌دهد که چگونه رسمی بودن بازار کار و بیمه بازنشستگی همچنان به مشارکت در بازار کار و نوع کارفرما بستگی دارد.

شکل ۹: پوشش بیمه تأمین اجتماعی (سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۰۸)



توجه: برآوردها دارای فاصله اطمینان ۹۵٪ هستند.

خانوارهای بخش عمومی جایگاه خود با بالاترین نرخ‌های حمایت اجتماعی را حفظ کردند. نرخ‌های بیمه اجتماعی این گروه در دهه ۲۰۱۰ به‌طور متوسط ۹۳.۴ درصد بود. دسترسی به پوشش بازنشستگی برای سایر گروه‌های شاغل بسیار کمتر بود. بدین ترتیب، طبقات شهرنشین‌تر مانند طبقه حرفه‌ای-مدیریتی، کارگران غیرکشاورزی و خرده مالکان، میانگین پوشش بیمه تأمین اجتماعی بین ۳۷ تا ۵۰ درصد داشتند. برای طبقات کشاورزی مانند کشاورزان و

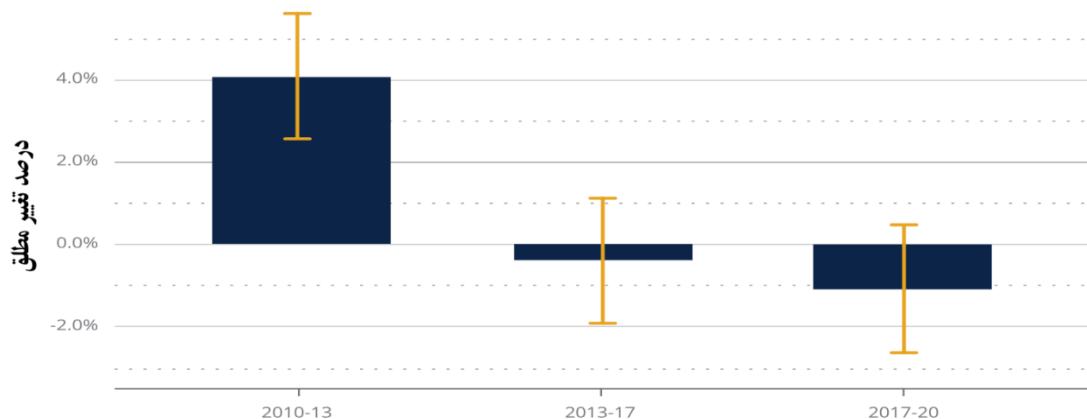


کارگران کشاورزی، میانگین نرخ‌های پوشش بین ۱۶ تا ۲۳ درصد داشتند. از میان خانوارهای غیرفعال و بیکار، حدود ۴ درصد تحت پوشش یک طرح بازنشستگی بودند.

هرچند دولت‌ها در افزایش پوشش بیمه تأمین اجتماعی یا کاهش نابرابری میان طبقات اجتماعی از نظر دسترسی ناموفق بودند؛ سیاست احتمالاً نقش مهمی در کاهش تأثیر تحریم‌ها داشت. شکل ۱۰ با نشان دادن جزئیات این موضوع، تغییرات پوشش بازنشستگی در دهه ۲۰۱۰ را برای چهار دوره فرعی ترسیم می‌کند که دارای فواصل اطمینان ۹۵ درصدی است. داده‌های پیمایش هزینه و درآمد خانوار نشان می‌دهد که دولت احمدی‌نژاد با موفقیت پوشش بیمه تأمین اجتماعی را به گروه‌هایی که قبلاً از آن برخوردار نبودند، گسترش داده است. با وجود تحریم‌ها، پوشش بازنشستگی بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳ حدود ۴ درصد افزایش یافت. اگرچه این رقم از لحاظ نسبی پایین است (و عمدتاً ادامه روند اواخر دهه ۲۰۰۰ است)، اما از لحاظ مطلق به این معناست که میلیون‌ها ایرانی به طرح‌های بازنشستگی دسترسی پیدا کرده‌اند. در مقام مقایسه، دولت روحانی حتی زمانی که اقتصاد ایران در سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۱۵ در دوره رفع تحریم‌ها بود، نتوانست به شکل معناداری بیمه تأمین اجتماعی را گسترش دهد.

شکل ۱۰: پوشش بازنشستگی در طول تحریم‌ها و همه‌گیری کرونا (سال‌های ۲۰۲۰-۲۰۱۰)

تغییر مطلق در پوشش بیمه تأمین اجتماعی در دوره‌های زمانی



با این حال، همه طبقات اجتماعی به یک اندازه از گسترش پوشش بیمه اجتماعی در اواخر دهه ۲۰۰۰ و اوایل دهه ۲۰۱۰ بهره‌مند نشدند. اصلی‌ترین ذینفعان شامل کارگران غیرکشاورزی، خرده‌مالکان و طبقه حرفه‌ای-مدیریتی بودند.



سایر گروه‌های کاری مانند کارگران کشاورزی و کشاورزان کمتر از این سه گروه بهره‌مند شدند، در حالی که خانوارهای بیکار و غیرفعال اصلاً بهره‌ای نبردند.

نتیجه‌گیری

این گزارش دریافته است که تحریم‌ها بر مصرف و هزینه‌های خانوارها در ایران تأثیر منفی گذاشته‌اند. این تأثیرات با تأخیر ظاهر شدند- یعنی مدتی طول کشید تا خانوارها هزینه‌های خود را با شرایط اقتصادی در حال دگرگونی تطبیق دهند- اما بسیار قابل توجه بودند. رفع تحریم‌ها برای هزینه‌های خانوارها به مثابه یک فرجه‌ی کوتاه بود. شدت کاهش هزینه‌های خانوار بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ نسبت به تولید ناخالص داخلی بیشتر بود، که نشان می‌دهد شرکت‌ها، افراد ثروتمندتر و دولت توانسته‌اند هزینه‌های بازسازی اقتصادی را به صورت نامتناسب به خانواده‌های کارگر و مصرف‌کنندگان منتقل کنند.

مهم‌تر از همه، این گزارش نشان می‌دهد که تحریم‌ها طبقه‌محور بودند: تأثیر آن‌ها بر ایرانیان عادی بر اساس موقعیت خانوارها در بازار کار به شدت متفاوت بوده است. تحریم‌ها به دو گروه به‌طور خاص آسیب رسانده‌اند: (۱) خانوارهایی که به کار کشاورزی وابسته بودند، از جمله کشاورزان مستقل و کارگران کشاورزی؛ و (۲) خانوارهایی که در بخش عمومی مشغول به کار بودند. طبقات روستایی بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ به‌طور فزاینده‌ای به فقیرترین گروه‌های ایران تبدیل شدند. وضعیت آن‌ها به دلیل عواملی مانند سوء مدیریت و خشکسالی بدتر شد، در حالی که خانوارهای بخش عمومی همچنان جزو طبقات مرفه‌تر ایران محسوب می‌شدند. ائتلاف‌های حاکم کشور تا حد زیادی میانجی تأثیرات طبقاتی بودند. دولت احمدی‌نژاد از طبقات کارگری شهری و روستایی در برابر دور اول تحریم‌ها در سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۱۳ حمایت کرد، اما نتوانست از کشاورزان و خرده‌مالکان محافظت کند

این یافته‌ها یک سناریوی بدبینانه را ترسیم می‌کنند. احیای برجام یا انعقاد نوع دیگری از توافق که امکان رفع تحریم‌ها را به ایران بدهد، به کاهش مشکلات اقتصادی در میان ایرانیان عادی، به ویژه زنان و اقلیت‌های قومی، کمک خواهد کرد.